



# کتابشناسی تبلیغ



## لؤلؤ مرجان، در آداب اهل منبر

عالم جلیل، محدث نوری، انتشارات فراهانی.

□ مؤلف از محدثان و عالمان نامی شیعه و دارای تألیفات و آثار گرانقدر و ارجمندی دربارهٔ معارف بلند تشیع است، از جمله: مستدرک الوسائل، نفس الرحمان، دارالسلام، معالم العبر، جنة المأوی، النجم الثاقب.

کتاب موضوع بحث، از آخرین تألیفات حضرت مؤلف به شمار است.

در زمان مؤلف، گروهی از اهل منبر، از منبر و ذکر فضائل اهل البیت و بیان احکام، در راه کسب معاش بهره می‌گرفته‌اند و تحریف و دروغ، برای بازاریابی و جذب عوام از شگردهای این گروه بوده است؛ از این روی، مؤلف آگاه و دلسوز، علیه این گروه، عصبان می‌کند و دردمندانه از دنیامداری روضه‌خوانان و تحریف‌و قابع‌عاشورا و دروغ به خدا و پیامبر سخن می‌گوید.

و در جای جای کتاب، تازیانه درد و رنج را بر سر این گروه تاجزبیشه و جاهل و دروغزن فرود می‌آورد. مؤلف، تنها از درد سخن نمی‌گوید، بلکه راه‌حلهایی هم برای هر چه بهتر و صحیح‌تر برگزار شدن مراسم سوگواری ابا عبدالله الحسین «ع»، ارائه می‌دهد.

در ذیل شرط اخلاص می‌نویسد:

«طایفه‌ای از اهل منبر... مثل سایر اهل کسب و تجارت، معامله می‌کنند و درزیادی و کمی، مما کسبه و گفتگو نمایند و برای اذن در رفتن مجالس و عرض متاع خود، بر مشریان، واسطه‌ها فرستند و رقعه‌ها نویسند و بعد از رفتن و خواندن، بی اذن و یا با اذن، بی تعیین مقدار عرض، اگر از آنچه قصد کرده از عرض، به ازاء این خواندن، نقصی شود، خشم کند و بدگویی و صاحب مجلس را رسوا و مفتضح کند. بلکه بعضی از پست فطرتان ایشان، در بالای منبر سؤال کند و بانی طلبند و به آنچه خوانند، معامله کنند.

و از عجایب معضکه آن‌که، با این کاسی و تجارت و معاوضهٔ دنیا به آخرت، در مجالس و

محافل و منابر، افتخار کنند و خود را از چاکران خاص حضرت سید الشهداء، شمرند و خویش را صاحب حقوق عظیمه و مستحق هر گونه توقیر و اکرام و تعظیم و احترام دانند.

و از این جهت، گاهی در بالای منبر می گویند: آقایم امام حسین، علیه السلام، چنین کرد، چنین فرمود، با شما چنین کند.

بیچاره جاهل، غافل از آن که میان او و آن حضرت، ابتدا علاقه نیست و بین ایشان دورتر است از مابین زمین و آسمان و قدر و رتبه اش پست تر است از پست ترین کسبه ...

روضه خوان، آنگاه در قطار چاکران آن حضرت درآید که آنچه گوید برای حق عزوجل و ادای حق اولیائش، علیهم السلام، باشد والا کاسبی خواهد بود.

درباره علت این که دروغ، در منبرها رایج شده است، می نویسد:

«اگر اهل علم مسامحه نمی کردند و مراقب تمیز صحیح و سقیم و صدق و کذب گفتار این طایفه می شدند و از گفتن اکاذیب، نهی نمی کردند، کار خرابی به اینجا نمی رسید و به این حدی بی یاک و متبحر نمی شدند و به این قسم، اکاذیب واضح و معلومه نشر نمی کردند و مذهب حقه امامیه و اهلسنت به این درجه مورد سخریه و استهزاء نمی شدند و این مجالس شریفه به این اندازه، بی رونق و برکت نمی شدند.»

## گامهایی در راه تبلیغ

علامه محمد حسین فضل الله، ترجمه: دکتر احمد بهشتی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷، ۳۵۷ صفحه.

□ کتاب، ترجمه «خطوات علمی طریق الاسلام»،

نگارش علامه محمد حسین فضل الله از علمای برجسته اسلام، در جنوب لبنان است.

کتاب، با مقدمه مفصل و مفید مترجم، درباره اهمیت تبلیغات از دیدگاه اسلام، آغاز می شود.

مؤلف، پس از پاسخ عالمانه به انتقادات محمد مهدی شمس الدین، بر چاپ اول کتاب، فصول هفتگانه کتاب را به این شرح ارائه می کند:

شیوه تبلیغ و پیام رسانی:

در این فصل، ضرورت برنامه ریزی در تبلیغ، مهیا کردن زمینه تبلیغ، تربیت در ابلاغ دستورات اسلام و بیان مسائل اعتقادی، بهره گیری از سیره پیامبر اسلام در چگونگی عرضه مطالب دین و... مورد بحث قرار گرفته است.

رابطه علم و تبلیغ:

در این فصل، سخن از این است که: باید علم در خدمت تبلیغ باشد. مبلغ باید به هر علمی که در کار تبلیغ مورد نیاز است، آراسته شود؛ اما وقت خود را صرف علوم زاید که فضیلت محسوب می شوند، نکند. باید معیارهای صحیح شناخت حق و باطل را در دسترس مردم قرار داد، تا گرفتار خطا نشوند.

تبلیغ، یک رسالت است نه حرفه و شغل. مبلغ نیست که درصدد جمع مال و ثروت باشد. مبلغ دارای رسالتی است مقدس و به هر چیز از این منظر می نگرد. او، باید با آگاهی کامل از اوضاع اجتماعی و سیاسی، مهربانی با مردم، عمل به گفتار، دوری از هوی و هوس، مبارزه با موانع و مشکلات راه، تجسم اسلام باشد.

روشهای علمی تبلیغ:

ما باید در تبلیغ، تابع روشهای قرآنی باشیم، نه فلسفی و کلامی.

اگر معرفی منکر شد، چه باید کرد؟ اگر در ادامه تلاش برای برگرداندن معرفی که منکر شد، به مسیر اصلی خود، با منکری بزرگتر، رو برو شدیم، چه کنیم؟

آیا هر دورا هدف قرار دهیم یا برای انسجام نیروها، فعلاً، با منکر دومی مبارزه کنیم؟

روش تربیتی تبلیغ:

مسأله موعظه و ارزش علمی آن، تعادل میان خوف و رجاء و فلسفه ثواب و عقاب از بحثهای این بخش است.

اضافه می کند: در بیان ثواب و عقاب، نباید به گونه ای عمل کرد که مردم را از ارزشهای کیفی عبادت بازداریم و آنان را صرفاً متوجه ارزشهای کمی کنیم.

بهترین شکل عبادت آن است که به طمع بهشت و خوف جهنم نباشد، بلکه برای خدا باشد. این روحیه را باید در مردم متدین تقویت کرد؛ یعنی، روحیه محبت به خدا و عبادت به انگیزه محبت.

آیا اسلام در بیان مقاصد خود، الفاظ خاصی دارد یا نه؟ آیا باید مبلغ، الفاظ مخصوص دینی را به کار برد یا این که می تواند از هر لفظی استفاده کند؟ در نقد تمدن جدید چه باید کرد؟ مفاسد اخلاقی عصر حاضر را چگونه باید ارزیابی کرد و همچنین درباره مسأله آزادی فردی چه موضعی باید داشت؟ از بحثهای مفید این بخش است.

قضايا و مواقفها:

باید سعی شود، حقائق، با بیان واضح و قابل فهم و درک مردم، عرضه شود. و از بحثهای این بخش: آیا احکام شرعی جنبه تقلیدی به خود بگیرد بهتر است یا نگیرد؟ به عنوان مثال: آیا بهتر است، حجاب اسلامی به صورت عادت در آید یا خیر؟ اگر مقاومت در برابر یک انحراف ممکن نیست چه باید کرد؟

در برابر واقعیتهای سیاسی جامعه چه باید کرد؟ در برابر عقاید عوام چه باید کرد؟ آیا کارها و عقایدی که از نظر عوام جنبه دینی دارد و قداست یافته، باید حفظ شود، یا متزلزل گردد؟

برای تبلیغ دین، تشکیلات حکومتی لازم است یا خیر ... و

بهره گیری از روش تبلیغی پیامبران:

بخش پایانی، در بردارنده مطالب شیرین و آموزنده است. در این فصل، سخن از روشها و درسهای نبوت است. سخن از این است که: چگونه باید از نجارب پیامبران بهره برد. انبیاء در برابر مشکلات چه می کردند؟ آنان در برابر تکذیب و ایداء چه روشی داشتند و ...

خواندن و دقت در بخشهای این کتاب را به دست اندرکاران امر تبلیغ و مبلغان با رسالت و هدفدار، توصیه می کنیم.

## هدایة المرشدين الى طرق الوعظ والخطابه

شیخ علی محفوظ، شرکه الاتحاد للتجارة والطباعة والنشر، مصر.

الشیخ علی محفوظ، عضو جماعة كبار العلماء ومؤسس فی الوعظ والارشاد بالازهر.

کتاب در بردارنده مباحث مفید و کارسازی در زمینه تبلیغ و ارشاد است.

الفصل الاول: التعريف بالدعوة.

الفصل الثاني: السنن العامة في دعوة الرسل.

الفصل الثالث: اشهر الدعاة من عهد الرسول ...

الفصل الرابع: في الوعظ والارشاد.

الفصل الخامس: القصص والقصص في الصدر الاول.

الفصل السادس: الوعظ في القرن السادس.

الفصل السابع: آداب الداعي.

الفصل الثامن: ما يلزم المرشد اجتنابه.

الفصل التاسع: السجع والاشعار في الوعظ.

الفصل العاشر: مراجع الوعظ.

در این بخش از قول مفتی بزرگ مصر و شارح نهج البلاغه، شیخ محمد عبده نقل می کند.

«تصادفی، سبب شد که من فراغتی پیدا کنم و به مطالعه نهج البلاغه بپردازم. وقتی که به مطالعه این کتاب پرداختم، انواع سخنان در آن یافتیم و سخت مرا تحت تأثیر قرار داد. خود را در وقت مطالعه این کتاب، در حالی می دیدم که دائماً از صحنه ای وارد صحنه ای دیگر می شوم. پرده ها مرتب عوض می شد. یک وقت صحنه ای در برابر مجسم می شد و گویا مردانی را جلو چشم خود می دیدم که پوست شیر و پلنگ به تن کرده اند و آماده حمله هستند. خود را در حالی می دیدم که چنان تحت تأثیر هستم که مایلیم به میدان جنگ بروم و خون بریزم و خون ریخته شود: باز می دیدم: صحنه و صحنه عوض شد: با یک واعظ و مذکر روبرو هستم که با سخنان خود، به دل، نرمی و رقت و لطافت می بخشد، صفا می دهد. جای دیگر پرده و صحنه عوض می شد، چنین حس می کردم که: یک خطیب اجتماعی و سیاسی ایستاده و از مصالح عمومی سخن می گوید. جای دیگر مثل این بود که فرشته ای را می دیدم از عالم بالا دست دراز کرده و می خواهد، مردم را به سوی عالم بالا بکشاند.

۷. امام حسین و خطابه.

خطابه های حسین بن علی، نمونه ای است از خطابه های پدرش، علی «ع»، همان روح و هیأت معانی در اینها موج می زند.

خود علی «ع» فرمود: زبان، آلت و ابزاری است برای روح. اگر معانی به طرف زبان سرازیر نشود، از زبان چه کاری برمی آید و اگر هم معنی در روح موج بزند، زبان نمی تواند جلوش را بگیرد.

فرمود:

وَأَنَا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ. وَفِينَا تَنْشَبُ عُرُوقُهُ وَعَلَيْنَا تَهَدَّلُ غُصُونُهُ.

الفصل الحادی عشر: انواعه والسيرفيها على منهج القرآن.

الفصل الثانی عشر: اعداد الموعظه وتحضير الموضوع قبل القائه.

الفصل الثالث عشر: ضرب الامثال في لحظة.

الفصل الرابع عشر: رعاية المرشد لمقتضى الحال.

الفصل الخامس عشر: الطرق التي ينبغي للمرشد ان يسلكها في ارشاد الناس.

و...

و در بخش دیگر کتاب، مؤلف، شبهات و مسائل مبتلا به عصر خویش را مطرح کرده است. از جمله:

۱. سر مشروعية القتال في الاسلام.

۲. الزرق في الاسلام، حرية النفس، حرية العقل، المساواة في نظر الدين.

۳. سر تعدد الزوجات.

۴. الاقتصاد واثره في الفرد والجماعة.

۵. الحمد واثاره السببة في المجتمع.

استفاده و بهره برداری از این کتاب را برای اهل منبر و دست اندرکاران تبلیغ توصیه می کنیم.

## خطابه و منبر

استاد شهید مرتضی مطهری.

این جزوه، حاوی دو سخنرانی از استاد شهید، درباره فن خطابه و منبر است. استاد در این دو سخنرانی بر بار و مفید، موضوعات ذیل را مورد کندوکاو قرار می دهند.

۱. جایگاه فن خطابه در منطق.

۲. پیوند خطابه با اسلام.

۳. تأثیر اسلام در خطابه.

۴. نماز جمعه و فن خطابه.

۵. فرق بین خطابه و موعظه.

۶. نهج البلاغه و فن خطابه.



امیرسخن، مائیم. ریشه‌های سخن: یعنی، معانی و مطالب، در زمین وجود ما دویده است و شاخه‌های سخن بر سر ما سایه افکنده است.

۷. اولین خطابه حسین بن علی «ع» که در کمال فصاحت و بلاغت ایراد شد و در آن رشادت و شجاعت و بلند نظری و ایمان به غیب، موج می‌زند، خطابه‌ای است در مکه، هنگام عزیمت به کربلا.

۸. خطابه و منبر، مولود حادثه عاشورا.

۹. فلسفه پیام امام حسین.

۱۰. چرا باید نام حسین باقی بماند و فلسفه عزاداری.

اسلام شهید. با برداشت از روایت حضرت رضا «ع» در باره خطبه جمععه. می‌گوید: خطبه سه وظیفه

مهم دارد: ۱. موعظه

موعظه کلامی است که به دل نر می‌ورقت می‌دهد، قسوت را از دل می‌برد، خشم و شهوت را فرو می‌نشاند، هواهای نفسانی را تسکین می‌دهد، به دل صفا و جلا می‌دهد.

۲. تبیین مصالح دین و دنیای مردم

منظور این است که مردم را به مصالح دین و دنیا آگاه کنیم.

و این دو شرط دارد: یکی علم به دین و دنیا و دیگری اخلاص.

\* علم به دین

باید علم و اطلاعاتش به مبانی دین، کافی باشد، به روح تعلیمات اسلامی آگاه باشد ظاهر اسلام و باطن اسلام، پوسته اسلام و هسته اسلام، همه را، در حد خود و جای خود، بشناسد، تا بفهمد مصلحت دین، یعنی چه؟

\* علم به دنیا

تنها شناخت دین، کافی نیست، جامعه را باید بشناسد، به اوضاع دنیا باید آگاه باشد و باید بفهمد که در دنیا چه می‌گذرد و امروز مصلحت جامعه

اسلامی در برابر، جریانهای موجود، چه اقتضا می‌کند و مردم را به آن جریانها و مصالح واقعی، آگاه بکند.

۳. آگاهاندن مردم از آفاق دور دنیای اسلام

مبلغان، باید، آنچه در نقاط دور دست و آنچه که در زیر پرده می‌گذرد، به مردم بگویند.

ما مسؤولیت داریم، ما باید بدانیم ماتریالیسم، چه فعالیتهایی دارد، صهیونیسم چه فعالیتهایی دارد.

اطلاع و آگاهی از اینها و گفتن و بازگو کردن اینها واجب است.

امید آن داریم که مطالب بلند این جزوه پر بار و مفید، فراراه سازمانها و نهادهای تبلیغاتی کشور و

مبلغان عزیز قرار بگیرد.

## مبانی تبلیغ

محمد حسن زورق، انتشارات سروش، ۱۳۶۸، ۳۳۴ صفحه.

□ کتاب حاضر، در نه فصل تنظیم شده است:

۱. رسالت و اهمیت تبلیغات اسلامی در دنیای امروز.

۲. تعریف و اصول کار تبلیغ.

۳. القاء.

۴. روانشناسی تبلیغات.

۵. رسانه شناسی.

۶. امپریالیسم خبری.

۷. خصلت آموزشی تبلیغ.

۸. افشاء.

۹. اسلام و تبلیغات.

در مقدمه کتاب می‌خوانیم:

«قدرتهای خودکامه در تاریخ بر سه پایه، همواره،

استوار مانده‌اند:

۱. تبلیغات.

۲. تسلیحات.

۳. اطلاعات.

بی تردید، از این سه پایه، آن که اهمیت بیشتری داشته و نقش مهمتری نیز ایفا کرده، تبلیغات است. البته تبلیغات مورد علاقه قدرتهای خود کلامه، عموماً تبلیغات شیطانی بوده است، یعنی، علم در اختیار گرفتن فکر و اندیشه و احساس توده‌ها و ابزار ساختن دلها و سرها برای ساختن هرم قدرت در جامعه.

متأسفانه این علم، در دنیای ما رشد حیرت‌انگیزی کرده است و به جرأت می‌توان گفت که: در طول تاریخ، هیچ‌گاه «تبلیغات شیطانی» تا این اندازه نیرومند و قوی نبوده و تا این حد رشد نکرده و سیر تکاملی نیسموده و این چنین در به کام نابودی کشیدن همه ارزشهای انسانی شاد کام نبوده است. دلیل تقدّم و اهمیت تبلیغات، نسبت به تسلیحات و اطلاعات، کاملاً روشن است.

تسلیحات، بدون اراده‌ای که آنها را به کار گیرد، بی ارزش است و اطلاعات، بدون اندیشه‌ای که آن را تجزیه و تحلیل کند، فاقد کاربرد سیاسی است، و اراده و اندیشه‌ای که به کار می‌آید، باید بوسیله تبلیغات شکل بگیرد و رشد کند و حفاظت شود. از طرف دیگر، با کمال تأسف، باید گفت: همواره نیروهای فطرت‌گزین و طرفداران حقیقت و کرامت و آزادی و عدالت، گرچه از نظر جمعیت، معمولاً، نیرومند بوده‌اند، ولی همواره از نظر تبلیغات و نیز تسلیحات و اطلاعات ضعیف بوده‌اند و در نتیجه شکست خورده و صحنه قدرت را ترک کرده و یا هرگز، آن را به دست نیاورده‌اند.

در مورد ضعف تبلیغات نیروهای فطرت‌گزین در تاریخ، باید گفت که: بی تردید، روانشناسی این نیروها در کیفیت متشکل آنان مؤثر نبوده است. سنگ بنای این روانشناسی از خوش‌بینی و

صدافتی که گاه، تنه به تنه ساده‌اندیشی می‌زند شناخته شده است. از آنجا که طرفداران حق، در آینه ضمیر خویش، جز خلوص و پاک‌ی و زیبایی چیزی نمی‌دیدند، نمی‌توانسته‌اند، تصوّر کنند که نیرگی نهفته در بسینه طرفداران کفر، تا چه مرزی می‌تواند پیشرفت داشته باشد و انسان تا چه اندازه می‌تواند سقوط کند.

نکنند دیگری که در روانشناسی طرفداران حق، قابل ملاحظه است، عدم اعتقاد به ضرورت تسلط بر اراده‌هاست، بلکه برعکس، آنان به آزادی اراده مردم معتقدند، نه به اسارت اراده آنان؛ به همین دلیل، ضرورتاً، کمتر با فنون و ترفندهای تبلیغاتی شیطانی آشنایی داشته‌اند.

نکاتی که به آن اشاره شد، در کنار یک سلسله علل دیگر، همواره، سبب می‌شده است که قدرت تبلیغاتی طرفداران حق، در مرزهای محدودی حبس شود و از سوی دیگر، تبلیغات شیطانی بتواند تا امروز، بر اراده و احساس و اندیشه ملت‌ها مسلط باشد. بنابراین، هرگاه طرفداران حق، بخواهند، سرنوشت خود را تعیین کنند و برستمگران تاریخ، پیروز شوند و جامعه‌ای به دور از شرک و کفر و ستم پایه‌گذاری کنند و دشمنان‌شان را منفعل و مأیوس و ناکام سازند، باید اولاً، واقع بین باشند و نتوانند درک کنند که انسانیت یک مدرج است که در یک سوی آن ظلمات قرار گرفته و در سوی دیگر آن روشنایی تابان، و انسانها در این مدرج، تا ظلمات مطلق نیز می‌توانند سقوط کنند. بنابراین بکشوند، با واقع بینی با دنیای خود برخورد کنند تا آن اشیاهی را که هائی کرد و معقل را به کانون مخفی مبارزات انقلابیون مسلمان هدایت کرد و همه اسرار آنان را در اختیار ارتجاع عرب گذاشت، تکرار نکنند و بدانند که تزویر، اساس فتنه کفر در عرصه حیات انسانهاست.

## سخن و سخنوری از نظر بیان و فن خطابه

محمد تقی فلسفی، انتشارات الحدیث، ۱۳۶۸،  
۳۵۸ صفحه.

□ خطیب نامی، جناب حجة الاسلام فلسفی،  
تجارب سالیان متمادی خود را در عرصه منبر، با نثری  
روان و مستند به آیات و روایات، به مبلغان و خطبای  
اسلامی ارائه کرده است.  
کتاب، علاوه بر راهنمایی خطباء، در امر خطابه و  
فن سخن، دارای نکات آموزنده و اخلاقی است که  
همه علاقمندان به معارف اسلامی می توانند از آن  
بهره ببرند.

از مزتهای دیگر کتاب، فهرستهای فنی آن است:  
فهرست مندرجات.

فهرست آیات و روایات.

فهرست اعلام و کتب.

کتاب دریا نژده بخش تنظیم شده است:

۱. پیراهن سخن.
۲. سخنور و نفوذ کلام.
۳. سخنوری و بصیرت.
۴. تقوی و خلوص سخنور.
۵. سخنور و مقدمه سخن.
۶. سخنور و زاویه منحرف.
۷. سخنور و حدشناسی.
۸. سخنور و فصاحت.
۹. بلاغت سخنور.
۱۰. سخنور و شنوندگان.
۱۱. سخنور و رعایت هماهنگی.
۱۲. سخنوری و شجاعت.
۱۳. محتوای کلام سخنور.
۱۴. سخنور و فهماندن سخن.
۱۵. سخنور و پاسخ به شبهات.

ثانیاً، توجه داشته باشید که مبارزه با کسانی که با  
تبلیغات شیطانی، اراده‌ها را به کمند ترفندهای  
ضد شیطانی می کشند، گامی در جهت آزادی  
اراده‌هاست. نباید افراد را به حال خود گذاشت و  
تصور کرد که هر کس باید برای رهایی خود کاری  
کند و اگر هم فریب خط و خال رنگارنگ ازدهای  
تبلیغات امپریالیستی را خورد، خورده است و  
مسئولیت، با خود اوست، در حالی که وظیفه و  
وجدان بشری حکم می کند: وقتی که کسی و یا  
کسانی در پرتگاه گمراهی قرار گرفته‌اند، به  
کمکشان شتافت:

چو می بینی که نابینا چاه است

اگر خاموش بنشیننی گناه است

نویسنده مطلع و با تجربه کتاب، با نثری روان،  
مطالب نو و تحقیقی خود را در نه فصل تنظیم و به  
مبلغان رزمنده تیزهوش و تندگام میدان گسترده و  
جبهه پرجنبش تبلیغات، در دنیای امروز، عرضه  
کرده است.

خداوند او را یار و مدد باد.

## روش تبلیغ

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، محرم ۱۴۰۳،  
۱۰۴ صفحه.

این جزوه که به همت دفتر تبلیغات اسلامی و  
محققان با تجربه و آشنا به مشکلات تبلیغی  
روحانیون، تهیه و تنظیم شده، دارای مقدمه‌ای است  
در اهمیت ارشاد و چهاربخش، به این ترتیب:

۱. دانسته‌های یک مبلغ.
۲. تذکراتی در مورد برخی از صفات و نکته‌های  
اخلاقی.
۳. شیوه و روش برخورد های اجتماعی.
۴. روشهای بهتر و رساتر برای تبلیغ.